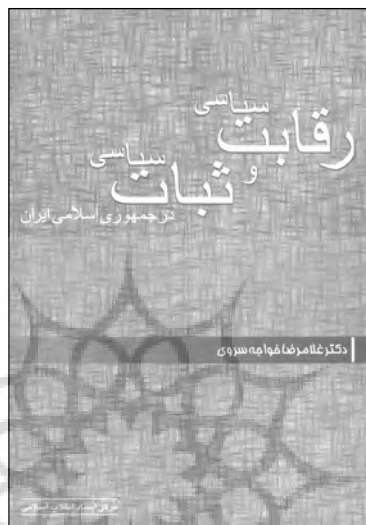


# رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در صد ساله اخیر

فرامرز میرزا زاده  
کارشناس ارشد علوم سیاسی



- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران  
- غلامرضا خواجه سروی  
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی  
- ۱۳۸۲، ۵۰۸ صفحه، ۲۵۰ نسخه، ۳۲۰۰ تومان

یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی [اعم از] محلی و ملی، روشهای قانونی یا غیرقانونی را به کار می‌گیرد» (ص ۷۳). و با اذعان به اینکه اکثر تعاریف ارائه شده عمدتاً در خصوص بی‌ثباتی سیاسی است، برای تفکیک ثبات از بی‌ثباتی سیاسی به این معیار می‌رسد: «معیاری که بتوان به وسیله آن یک نظام سیاسی را در هر مقطعی از زمان «بی‌ثبات» خواند، معیاری است که با وقوع و یا عدم وقوع تغییرها و چالشها در هر حکومت، رژیم یا جامعه نسبت مستقیم دارد، یعنی آنکه تا چه حد این تغییرها و چالشها، الگوی معمولی یک سیستم خاص حکومتی، رژیم یا جامعه‌ای را تغییر داده‌اند و تا چه میزان باعث ایجاد چالش در آنها شده‌اند.» (ص ۱۰۶). این تعریف از ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی شامل شاخصهای تغییر رژیم (تغییر در هنجارها، نوع نظام حزبی، وضعیت نظامی / غیرنظامی)، تغییر حکومت (تغییر در قدرت اجرایی یا تغییرات کابینه)، تغییر جامعه (اقدامات تجزیه طلبانه موفق)، چالشهای خشونت‌آمیز (ترور، جنگ سیاسی، مرگ ناشی از خشونت، شورش و تلاش برای کودتا) و چالشهای مسالمت‌آمیز (اعتصاب یا تهدید به اعتصاب سیاسی، تظاهرات، تحركات انتقادی و سخنرانیهای ضد حکومتی) را دربرمی‌گیرد.

در فصل سوم، مؤلف در تلاش برای دستیابی به چارچوبی تحلیلی است که در آن باید بازیگران (رقبای سیاسی) قواعد، شرایط، بازی، داور و نتیجه بازی معین شوند. پس از بررسی دیدگاههای مختلف، دیدگاه «ساندرز» مدنظر قرار می‌گیرد که در آن الگوهای فضایی (سنجش میزان انحراف نظام از وضعیت عادی خود و شاخصها با توجه به شرایط خاص هر کشور) و زمانی (تفاوت الگوها در طول زمان) هم مدنظر است. الگوی ساندرز همان شاخصهای تغییر

کتاب رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران یکی از معدود مطالعاتی است که در خصوص تحولات سیاسی ایران معاصر صورت گرفته است و از آنجا که رساله دکتری نویسنده محترم است سبک و سیاق نگارش پایان نامه در آن مشاهده می‌شود. به همین دلیل فصول هشتگانه کتاب به صورت گزارشی متضمن چارچوب تحلیل، اخذ جواب سوآلهای ششگانه فرعی و در نهایت، نتیجه‌گیری و پاسخ به سوآل اصلی و تأیید فرضیه طراحی شده است. در واقع، هدف اصلی کتاب مقارنه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است.

## مروری بر محتوا

کتاب علاوه بر مقدمه ناشر و پیشگفتار مختصر نویسنده، در برگزیده دو بخش است. بخش اول و دوم هر یک در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول مفاهیم، سوآلات و فرضیه‌های اصلی و فرعی تعریف می‌شوند. به طور کلی ساختار کتاب در پی تحلیل این پرسش است که «چه زمانی در جمهوری اسلامی ایران رقابت سیاسی به ثبات سیاسی منجر می‌گردد؟» (ص ۲۸).

فصل دوم به تعریف دو مفهوم رقابت و ثبات سیاسی اختصاص دارد. نویسنده با پیش فرض بومی‌سازی به تعریف لغوی و اصطلاحی این دو مفهوم می‌پردازد. پس از بررسی ابعاد مفهومی، رقابت سیاسی، چنین تعریف می‌شود: «هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا سازمان نیافته، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاستهای عمومی، اداره امور عمومی

رژیم، تغییر حکومت، چالش‌های خشونت‌آمیز و چالش‌های مسالمت‌آمیز را در برمی‌گیرد که عوامل عدم اجماع (رقبای سیاسی) و فقدان ساز و کار مناسب به منزله عوامل دخیل مورد توجه‌اند. پس، تأثیر رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه و در قالب الگوی ساندرز بررسی می‌شود. در فصل چهارم، خواهج سروی پیشینه تاریخی رقابت و ثبات سیاسی طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۸۵ را مطرح می‌کند و هنجارها و قواعد رقابت سیاسی را از قانون اساسی دوره مشروطه و دوره پهلوی استخراج می‌کند. به باور مؤلف، کتاب، رقبای سیاسی در این دوره‌ها از نیروهای مذهبی، روشنفکری و خودکامه تشکیل شده‌اند. عمده‌ترین نتیجه‌گیری این فصل این است که رقابت در صدر مشروطه به شکل هویتی بوده که در نتیجه، کفه رقابت بر ثبات سیاسی سنگینی می‌کرده است؛ سپس در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به رقابت غیرهویتی تبدیل شده است. دیگر اینکه هر چه رقابت بیشتر باشد، ثبات سیاسی کمتر است.

در فصل پنجم رقابت و ثبات سیاسی بین سالهای ۱۳۵۷-۶۴ بررسی می‌شود. قواعد و هنجارهای رقابت سیاسی از قانون اساسی فروردین ۱۳۵۸ استخراج شده است. در این مقطع زمانی، رقبای سیاسی را نیروهای مذهبی، لیبرال، سوسیالیست و التقاطی تشکیل می‌دهند؛ رقابت نیز حول مباحث تعیین نوع نظام، تدوین و تصویب قانون اساسی. اولین انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی و انتخاب اولین نخست‌وزیر شکل گرفته است. نویسنده با بررسی مواضع و تحرکات رقبا - البته در چارچوب قانون اساسی - به این نتایج می‌رسد: الف) تراکم زیاد نیروهای سیاسی، باعث تعدد رقبا و فقدان مرزبندی دقیق بین آنها شده است؛ ب) بین نیروهای سیاسی اجماع نظری مشاهده نمی‌شود؛ ج) نیروهای سیاسی برای دستیابی به قدرت و حفظ آن، تلاش خود را براساس مبانی هویتی و نه بر مبنای مسائل اقتصادی - اجتماعی صورت داده‌اند؛ د) با پیروزیهای مداوم نیروهای مذهبی، سایر گروهها همبسته شدند و به اقداماتی چون جنگ مسلحانه، کودتا و کشتار وسیع متوسل شده‌اند؛ ه) رهبر انقلاب در پی حفظ تکرر سیاسی بود و نیروهای مذهبی هم در بین خود به تکرر سیاسی دست زدند؛ و بالاخره در سالهای اولیه این دوره، ثبات سیاسی به دلیل رقابت سیاسی فراز و نشیب داشته است و فقط پس از تثبیت کامل نظام، ثبات سیاسی بهبود می‌یابد. (صص ۳۰۱، ۳۰۲ و ۳۰۳).

فصل ششم کتاب به مقارنه رقابت و ثبات سیاسی در مقطع زمانی ۱۳۶۴-۷۶ می‌پردازد. همچون فصول قبل، نخست طیفهای مختلف رقیب و مواضع آنها در قبال هم بررسی می‌شود. در این دوره، به این دلیل که نیروهای مذهبی مراکز قدرت را به خود اختصاص داده‌اند، رقابت حالتی غیرهویتی به خود می‌گیرد و اختلاف دیدگاهها بر سر مسائل اقتصادی - اجتماعی ظاهر می‌شود. در نتیجه، فرهنگ رقابتی، سالم بوده و در دوران جنگ و سازندگی، دولت از اقتدار نسبتاً بالایی برخوردار بوده است. چنین وضعیتی بیانگر بهبود وضعیت کفه ثبات سیاسی بر رقابت سیاسی است و از نزدیک‌تر شدن ثبات سیاسی و رقابت سیاسی به مقارنه، در مقایسه با دوره سابق (۱۳۵۷-۶۴) حکایت دارد (ص ۳۶۹).

مقارنه رقابت و ثبات سیاسی در مقطع زمانی ۱۳۷۶-۸۰ موضوع فصل هفتم است. بنا به نظر نویسنده، با پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات هفتم ریاست جمهوری، زمینه‌های وقوع رخدادهای بی‌قاعده و بازگشت رقابت از نوع هویتی، آن فراهم و کفه رقابت بر ثبات سیاسی سنگین‌تر شد. به زعم نویسنده، زیر مجموعه دوم خردادها با وارد کردن «اتهاماتی» به جناح راست (جامعه

روحانیت مبارز تهران) توانسته بودند رقیب را هم در انتخابات هفتم ریاست جمهوری، هم شورای اسلامی شهر تهران و هم انتخابات مجلس شورای اسلامی شکست دهند.

همچنین به نظر نویسنده، در چنین فضای رقابتی، وزیر کشور آقای خاتمی (حجت الاسلام نوری) با عزل و نصبهای متعدد و نابجا در استانهای مختلف هم باعث ضعف وزارت کشور و هم ایجاد بلوهای شهری در شهرهای مختلف شده بود. این واکنشها با حمایت دوم خردادها از کرباسچی

## رقابت در صدر مشروطه به شکل هویتی بوده که در نتیجه، کفه رقابت بر ثبات سیاسی سنگینی می‌کرده است؛ سپس در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به رقابت غیرهویتی تبدیل شده است

## بنا به نظر نویسنده، با پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات هفتم ریاست جمهوری، زمینه‌های وقوع رخدادهای بی‌قاعده و بازگشت رقابت از نوع هویتی آن فراهم و کفه رقابت بر ثبات سیاسی سنگین‌تر شد

شهردار تهران، به هنگام محاکمه‌اش دو چندان شد. حوادثی چون استیضاح وزیران کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی و اطلاعات توسط مجلس پنجم، قتل‌های زنجیره‌ای، کنفرانس برلین و نحوه برگزاری انتخابات مجلس ششم، درگیر شدن شورای نگهبان در خصوص نتایج انتخابات و... از مصادیق تشدید رقابت میان این دو جناح بود. در چنان فضایی است که نویسنده نتیجه می‌گیرد: «کفه رقابت سیاسی در مقابل ثبات سیاسی نسبت به دوره سابق سنگین‌تر شده و حالت مقارنه ثبات با رقابت سیاسی تضعیف شده است» (ص ۴۳۱).

نتایج حاصل از بررسی مقاطع مختلف مورد بحث، در فصل هشتم با عنوان «چه باید کرد؟» مطرح می‌شود: اولاً، در صدر مشروطه رقابت سیاسی شدید (هویتی) ثبات سیاسی را در مرتبه نازلی قرار داده بود؛ ثانیاً، طی دوره ۱۳۲۰-۳۳ رقابت سیاسی بین نوع هویتی و غیرهویتی آن در نوسان بوده و گرچه نهادها و سازوکارهای رقابت سیاسی وجود داشته، اما فاقد کارایی لازم در ایجاد ثبات سیاسی پویا بوده است، (ص ۴۳۷)؛ ثالثاً، طی سالهای ۱۳۵۷-۶۴ کفه رقابت سیاسی بر ثبات سیاسی سنگینی می‌کرده است؛ رابعاً، در دوره ۱۳۶۴-۷۶ رقابت و ثبات سیاسی کنترل شده‌ای حاکم بوده است؛ خامساً، در دوره ۱۳۷۶-۸۰ بی‌قاعدگی در رقابت و ثبات سیاسی حاکم بوده که به زعم نویسنده در این دوره نقش داور حائز اهمیت بوده است. در کل، نویسنده نتیجه می‌گیرد که فرضیه وی در قبال سؤال اصلی تأیید می‌گردد. یعنی «زمانی در ایران رقابت سیاسی به ثبات سیاسی منجر می‌شود که اجماع نخبگان بر اصول موضوعه، حاصل شود و سازوکارهای اجرایی مناسب رقابت سیاسی طراحی گردد» (ص ۴۵۶). این نتیجه‌گیری متکی بر نتایج حاصل از بررسی دوره ۱۳۶۴-۷۶ اخذ شده که جای بحث و تأمل دارد.

چنانکه ذکر شد، این کتاب از معدود کتابهایی است که به صورت تحقیقی و در این سطح از تحلیل به رشته تحریر درآمده است. شایسته است از نویسنده محترم آن به خاطر ارجاعات متفاوت و متنوع و پشتکارش تجلیل شود؛ البته در صورتی که از غلطهای تایپی - غلطهای رایج در جامعه انتشاراتی ما - بگذریم. ادعای نویسنده مبنی بر بومی‌سازی و بومی‌نگری در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. برای روشن شدن بحث از دو منظر به ارزیابی کتاب پرداخته می‌شود:

الف: از دید چارچوب تحلیلی و ب: نگاه نگارنده کتاب.

الف: بدیهی است که بومی‌سازی و در سطحی بالاتر و والا‌تر بومی‌نگری با قالب تهی کردن مباحث غیر بومی امری، اگر نه ناممکن، بلکه پر ایراد است. چرا که طرح و قالب اصلی طبق شرایط، زمینه و زمانه خاصی طراحی شده است. این ایراد در کتاب مدنظر ما نیز به وضوح رخ می‌نماید. برای مثال، جایگاه رهبری در ایجاد سازوکار رقابت و ثبات سیاسی و یا احیاناً ممانعت از آن، از الگوی ساندرز استخراج نشده است و صرفاً با تمثیلی از رقابت سیاسی با مسابقه فوتبال به نقش داوری بها داده شده (ص ۱۱۷) که آن هم فقط به نقش تنظیم و تحکیم موقعیت تیمها اشعار دارد. توضیح داده نشده که تعدد سوتها، دیر یا زود زده شدن، آنها و جایگاه خاص داوری - برخی موارد فرا قانونی بودن آن - و همچنین بسیج تماشاگران (توده مردم) چه تأثیری در رقابت و ثبات سیاسی می‌تواند داشته باشد. چرا که نقش امام خمینی (ره) در سالهای اول پس از انقلاب و تأثیر مقام معظم رهبری در نتیجه نهایی انتخابات مجلس ششم، اصلاح قانون مطبوعات و واگذاری یا عدم واگذاری اختیار نیروی انتظامی توسط وزارت کشور ملموس و عینی بود. پس گرچه نویسنده محترم تلاش وافری در انتخاب الگوی نظری مطلوب داشته ولی موفق نشده است تا تمامی جوانب را در امر بومی‌سازی الگوی ساندرز با توجه به شرایط و محیط داخلی ایران معاصر لحاظ کند.

از واژه «اتهام» و بر عکس از تحرکات سیاسی و تبلیغی منفی جناح راست در قبال جناح چپ از واژه «شایعه» استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد تعصب نویسنده باعث تقویت صبغة توضیحی در کاستیهای جناح چپ و حذف یا طرح جزئی کاستیهای جناح راست شده است؛ مثلاً در خصوص حادثه کوی دانشگاه تهران (ص ۴۰۸) سکوت مطلق حاکم است، در حالی که توضیح کنفرانس برلین یا اقدام جناح چپ در مخالفت با حضور هاشمی رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم (حصص ۴۱۵-۴۱۰) به صورت پررنگی ظاهر می‌شود. در جای دیگر، نویسنده دلیل شکست ناطق‌نوری در انتخابات ریاست جمهوری هفتم را به «اتهامات» جناح چپ نسبت داده و همچنین در بعضی شگردهای جنگ روانی در انتخابات، به وسیله ستاد انتخاباتی خاتمی می‌داند (ص ۳۶۵). در حالی که «یکی از عوامل شکست ناطق‌نوری در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶، بی‌شبهه، نحوه عمل مبلغان ستاد انتخاباتی ایشان بود که مردم را نسبت به آینده خویش متوحش می‌ساخت» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۹۰). این موارد به این دلیل اقامه نشد که نویسنده چرا متمایل به یک جناح است و به آن دیگری تمایل ندارد، بلکه صرفاً به این دلیل که محقق باید در کارهای تحقیقی امانت را رعایت کند. تنها از این طریق است که آیندگان به نتایج تحقیق، اعتماد خواهند کرد.

اساسی‌ترین نتیجه و پیشنهاد نویسنده، حمایت از دولت مقتدر و کنترل رقابت سیاسی است. (ص ۴۵۹) که این خود متأثر از نتایج بررسی‌اش در مقطع زمانی ۱۳۶۴-۱۳۶۶ است. اما این سؤال همچنان پابرجاست که اقتدار دولت چه زمانی تکمیل می‌شود؟ از طرف دیگر، هر چه دولت مقتدرتر باشد رقابت سیاسی ضعیف‌تر می‌شود. در چنین حالتی، بر فرض ثبات سیاسی مستحکم شود، آیا برای اداره جامعه گردش و چرخش نخبگان الزامی نیست؟ اگر دولت کارکردهای کنترلی خود را تقویت کند، نتیجه چه خواهد شد؛ در واقع، «به اقتضای این کارکردها، دولت به رفتاری اقتدارگرایانه و تحدید مشارکت سیاسی و تنظیم رفتارها در چارچوب یک فرهنگ سیاسی بیشتر انقبادی تا مشارکتی سوق می‌یابد» (بدیع، ۱۳۷۶: ۱۶۷). گرچه می‌توان با استفاده از نقش رهبری در بسیج توده‌ها به مشارکت سیاسی رونق بخشید و رقابتها را هم کنترل کرد «در حقیقت افزایش مشارکت بدون ایجاد شرایط و قواعد رقابت سیاسی حرکت به سوی نظام توسعه یافته را تسریع نمی‌کند، بلکه ممکن است موجب حرکت به سوی نوع نظامهای سیاسی مدرنی گردند که اساساً مبتنی بر بسیج توده‌ای هستند» (بشیریه، ۱۳۷۸: ۵). و همچنانکه می‌دانیم نظام توده‌ای دلیل بر توسعه‌یافتگی نیست، بلکه نشانگر انقباد تحرک سیاسی توده‌هاست که در آن هیچ نوع رقابتی به چشم نمی‌خورد. «معمولاً حکومت‌های غیر رقابتی اعمال خشونت در مقیاس وسیع را به عنوان امری ضروری در ایجاد شرایط تحول اجتماعی و توسعه اقتصادی توجیه می‌کنند (بشیریه، همان: ۷). گرچه امکان دارد ثبات سیاسی در چنین شرایطی تأمین و حفظ شود، اما چنین ثباتی پایدار نخواهد بود. بهتر آن است که ثبات سیاسی در پرتو رقابت سیاسی تحقق یابد تا پایدار باشد.

## اساسی‌ترین نتیجه و پیشنهاد نویسنده، حمایت از دولت مقتدر و کنترل رقابت سیاسی است

نظام توده‌ای دلیل بر توسعه‌یافتگی نیست،  
بلکه نشانگر انقباد تحرک سیاسی توده‌هاست  
که در آن هیچ نوع رقابتی  
به چشم نمی‌خورد

ب: ساختار رساله‌ای کتاب بیانگر این امر است که به غیر از خود نویسنده، افرادی چون استادان راهنما و مشاوران در نحوه نگارش و محتوای آن اثرگذار بوده‌اند. در چنین شرایطی، محقق خواه ناخواه دچار قید و بندهایی می‌شود. نویسنده محترم با تأسی از استاد خود (ص ۳۲۹) در مسند قضاوت نتوانسته از تمایلات خود چشم‌پوشی کند. به طوری که در موارد متعددی از تحرکات سیاسی منفی جناح چپ در رقابت با جناح راست (چه قانونی و چه غیر قانونی)

### منابع:

- بدیع، برتراند (۱۳۷۶) توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸) جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران: گفتارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸) حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروزی، تهران: نشر دادگستر.